



پزشکی در ایران باستان

در ایران باستان، پزشکی چون علوم دیگری مثل نجوم و ریاضیات، پیشرفت قابل ملاحظه ای داشت. در ایران باستان، بیماری های جسم انسان، ارتباط مستقیمی با بیماری های روح و گناه داشته است. می توان پیرامون تاریخچه علم پزشکی در ایران باستان چنین گفت که «به سبب وجود دو نیروی جدا گانه در جهان (سپنتا مینو یا اندیشه نیک و انگره مینو یا اندیشه بد که اهریمن نیز نامیده می شود) همه بیماری های جهانی از پدیده انگرمینو (منیوی بد) به شمار می آمد. در وندیداد، اهورامزدا اعلام می دارد که انگرمینو 99 هزار و 999 بیماری در روان آدمیت پدید می آورد که شمار آن البته به صورت های مختلف تخمین زده شده است. در بخش های مختلف اوستا، شمار قابل ملاحظه ای از نام های بیماری ها حفظ شده است.»

گیگر نویسنده و پژوهشگر کتاب «فرهنگ ایران شرقی» خود به دقت نام بیماری های موجود در آثار ایران باستان را ذکر کرده است. اگر چه برای بسیاری از آنها نتوانسته است معادل دقیق و مشخص عنوان کند. اما انواع بیماری های تب، سر و پوست در میان آنها مشخص و تفکیک شده است.

می توان با استفاده از دفاتر باستانی از برخی بیماری های نام برده شده در کتاب وندیداد، یاد کرد :

1. واورشی _ احتمالا یک بیماری مقاربتی است
2. _ تب زایمان یا نفاس
3. اسکندا _ ممکن است به مفهوم بریدگی باشد
4. اگهوستی _ به احتمال قوی به مفهوم نرمی استخوان و فساد

استخوان است

5. دروکا _ مسلما سنگ کلیه یا صفرا است

6. کورگها _ ظاهرا همان است که در فارسی امروزی به آن کورو یا کورک می گویند.

7. آستائیریا _ ظاهرا نام یک بیماری است که بر روی بدن جوش هایی مانند دانه های آبله یا سرخک ظاهری می شود. همین طور در میان شماری از بیماری هایی که کاملاً ناشناخته است، سه بیماری با «اژ» آغاز می شود و احتمالاً ناراحتی هایی است که بر اثر گزش مار به وجود می آید.

در اوستا از قهرمانی به نام «ثرتیه» نام برده شده است که «نخستین پزشک» قلمداد شده است. در «ثرتیه» از اهورامزدا تقاضا می کند که علاجی علیه همه زهرها و یک کارد فلزی برای عملیات پزشکی به او بدهد. اهورامزدا پاسخ می دهد که هزاران و میلیون ها گیاه درمان بخش آفریده ام که از آن میان، «گوکرن» منبع همه داروهاست. گوکرن، نام درخت مقدس افسانه ای است که در دریای فراخکرد جای دارد. هوم سفید، گاو شاخ، و کوکنار، معادل های دیگری هستند که برای این درخت افسانه ای، تصور شده است و جملگی جنبه درمانی داشته اند. اساس علم پزشکی در کتاب اوستا، سه چیز است: کارد، گیاهان درمانی و کلام که به نظر می رسد منظور جراحی، پزشکی و دعا و نیایش باشد. در کتاب «قوم های کهن...» آمده است: «چنین به نظر می رسد که اوستا به معالجه به وسیله دعا یا افسون بیش از همه چیز اهمیت می دهد. به طوری که «مانتر بیشاز»، یعنی کلام شفابخش را پزشک پزشکان می نامند. در واقع، به کلام شفابخش یا کلام مقدس، شخصیت داده شده و از او به عنوان یکی از ایزدان یاد می شود: «ای کلام مقدس، ای درخشان، مرا شفا ببخش».

در وندیداد، کلام مقدس مفهومی بیش از دعا دارد و به معنی ورد و افسونی برای دور کردن بیماری هاست: «بیماری را به عقب می رانم، مرگ را عقب می رانم، درد و الم را به عقب می رانم، سردرد را به عقب می رانم... آبله را به عقب می رانم.»

در وندیداد، احکامی نیز برای پزشکی ذکر شده است، مثلاً آمده است که داوطلب پزشکی برای آزمایش جراحی نباید از مزدپرستان استفاده کند، بلکه باید یکی از دیوپرستان را مورد آزمایش قرار دهد. هر گاه بیماری

را جراحی کند و در نتیجه بیمار هلاک شود و این کار بار دوم و سوم تکرار شود، داوطلب پزشکی برای همیشه از حرفه پزشکی محروم خواهد شد. اگر در این کار اصرار ورزد و به یک نفر مزدایی آسیب برساند، متهم به جنایتی معادل آدمکشی خواهد شد. اما پس از سه بار تجربه موفقیت آمیز، وی به عنوان یک پزشک شایسته، به شمار خواهد آمد.

همچنین پزشکان، وظایف و مزد ویژه ای داشتند. می توان برخی از این وظایف را این گونه برمی شمرد: پزشک باید به شتاب به عیادت بیمار برود. هر گاه شخص شب هنگام بیمار شد، پزشک باید تا پیش از پاس دوم شب خود را به او برساند، اگر در طول شب بیمار شود، پزشک باید تا پیش از سپیده دم بر بالای سر بیمار برسد. دستمزد پزشک دقیقاً تناسب با مقام بیمار داشت و موبدان، تنها با دعا و دادن برکت، به پزشک دستمزد می دادند.

رییس خانواده یا قبیله یا ده یا فرمانده استان به ترتیب یک خر، یک اسب، یک شتر و یا چهار اسب به عنوان دستمزد به پزشک می پرداختند. بیماران زن، به پزشک چهار پای ماده به عنوان دستمزد می پرداختند. پزشکان، پزشکان حیوان نیز بودند زیرا در آثار موجود، دستمزدهایی برای چهار پایان بزرگ و کوچک تعیین شده است. در کتاب مهم پهلوی، یعنی دینکرد، چهار فصل مستقل به پزشکی، پزشک، بیماری و درمان اختصاص دارد. در دینکرد به چهار نوع پزشکی اشاره شده است.

در دینکرد به جای سه روش درمان، از پنج روش درمان، یاد شده است: دعا، آتش، گیاه، ترشی، کارد.

در کتاب «قوم های کهن...» شرایط یک پزشک کامل در ایران باستان، این طور نقل شده است: «باید اندام های بدن و مفاصل و درمان بیماری های آن ها را بداند. باید ارابه شخصی و دستیار داشته باشد و باید مهربان باشد و حسود نباشد. آرام سخن بگوید و هیچ گونه غروری نداشته باشد. دشمن بیماری ولی دوست بیمار باشد. حجت و حیا را رعایت کند و به دور از جنایت، آسیب رسانی و زورگویی باشد. شتابان به کار بپردازد، یار بیوه زنان باشد. رفتاری نجیبانه داشته باشد. پاسدار شهرت خوب باشد. به خاطر سود کار نکند، بلکه پاداشی معنوی را در نظر داشته باشد. در دادن گیاهان درمان بخش مهارت نشان دهد تا جسم

را از بیماری برهاند و فساد و ناپاکی را دور کند. آرامش بیشتری ببخشد
و لذایذ حیات را افزون سازد.»

با درود و سپاس فروان به مدیریت بزگوار تارنمای آریارمن

-

روزبه فره وش

E Mail:With_myheart3743@yahoo.com

www.Atash-mihan.blogfa.com